

دوفصلنامه ویژه پژوهش‌های ادبی و متن‌شناختی

دوره جدید، سال سبت و کیم، شماره اول، بهار و تابستان ۱۴۰۲ (پیاپی ۷۲)

۷۲



تصحیح و توضیح مصرع‌های از داستان رستم و سهراب / سجّاد آیدنلو / ۵

اندر اوصاف فرهنگ کهن «قانون ادب» و تصحیح آن / گلپر نصری و هانیه دهقانی محمدآبادی / ۳۵

جست‌وجوی خطبه‌های توحیدی نهج‌البلاغه در «کتاب التوحید» ... / حنّانه سادات زهرائی و مهدی مجتهدی / ۶۷

آسیب‌شناسی پدیده «رویکرد» در پژوهش‌های هنری ایران / محمدرضا غیاثیان و میترا رضایی / ۹۱

نگاهی به لغزش‌ها و خطاهای موجود در «دانشنامه حکیم میسری» / اکبر حیدریان / ۱۰۹

نقش و اهمیت «مناقب الاصفیاء» شاه شعیب فردوسی ... / محمدصادق خاتمی و نجف جوکار / ۱۲۷

پژوهشی درباره کهن‌ترین اثر در شرح شواهد شعری «الکشاف» / سجّاد حبیبی و هادی نصیری / ۱۴۹

جُستاری در هویت «شیخ بحر پارس» / سید محمدمهدی جعفری طبری شیاده / ۱۷۳

ووستنفلد و «مقتل الحسین» منسوب به ابومخنف / انیس وحید / ۱۸۱

بازتاب بیماری‌های همه‌گیر در متون تاریخی و ادبی شبه‌قاره هند / فاطمه فیاض / ۲۰۱



شماره استاندارد بین‌المللی
۱۵۶۱-۹۴۰۰

آینه میراث

دوفصل‌نامه علمی ویژه پژوهش‌های ادبی و متن‌شناختی

دوره جدید، سال بیست‌ویکم، شماره اول، بهار و تابستان ۱۴۰۲ (پیاپی ۷۲)
دارای مجوز علمی - پژوهشی به استناد نامه ۳/۱۸/۴۴۱۴۶ مورخ ۳/۳/۰۸ مورخ ۱۳۹۵/۰۳/۰۸
از وزارت علوم، تحقیقات و فناوری

صاحب امتیاز: مؤسسه پژوهشی میراث مکتوب
مدیر مسئول: اکبر ایرانی
سرمدیر: مجدالدین کیوانی
مدیر داخلی: یونس تسلیمی پاک

هیئت تحریریه

محمدعلی آذرشب (استاد دانشگاه تهران)، نجفقلی حبیبی (دانشیار دانشگاه تهران)، اصغر دادبه (استاد دانشگاه علامه طباطبائی)، علی رواقی (استاد دانشگاه تهران)، علی‌اشرف صادقی (استاد دانشگاه تهران)، حامد صدقی (استاد دانشگاه خوارزمی)، منصور صفت‌گل (استاد دانشگاه تهران)، محمود عابدی (استاد دانشگاه خوارزمی)، حبیب‌الله عظیمی (استادیار پژوهشی کتابخانه ملی)

مشاوران علمی

سیدعلی آل‌داود، پرویز اذکابی، محمود امیدسالار (آمریکا)، اکبر ثبوت، جمیل رجب (کانادا)، هاشم رجب‌زاده (ژاپن)، محمد روشن، فرانسیس ریشار (فرانسه)، پاول لوفت (انگلستان)، عارف نوشاهی (پاکستان)، یان یوست ویتکام (هلند)

صفحه‌آرا: محمود خانی

چاپ: میراث

* این مجله در پایگاه مجلات تخصصی نورمگز (www.noormags.ir)، بانک اطلاعات نشریات کشور (www.magiran.ir)، پایگاه اطلاع‌رسانی پارسا (www.islamicdatabank.com)، پایگاه مرکز منطقه‌ای اطلاع‌رسانی علوم و فناوری (www.ricet.ac.ir)، و پایگاه استنادی علوم جهان اسلام (www.isc.gov.ir) نمایه می‌شود.

نشانی: تهران، خیابان انقلاب اسلامی، بین دانشگاه و ابوریحان، ساختمان فروردین، شماره ۱۱۸۲، طبقه ۲، واحد ۹

شناسه پستی: ۱۳۱۵۶۹۳۵۱۹

تلفن: ۶۶۴۹۰۶۱۲، دورنگار: ۶۶۴۰۶۲۵۸

www.mirasmaktoob.ir

سامانه ارسال مقالات: www.am-journal.ir

ایمیل نشریه: ayenemiras@mirasmaktoob.ir

بها: ۷۰۰۰۰ تومان

فهرست

- تصحیح و توضیح مصرعی از داستان رستم و سهراب/ سجّاد آیدیلو ۵
- اندر اوصاف فرهنگ کهن «قانون ادب» و تصحیح آن/ گلبر نصری و هانیه دهقانی محمدآبادی ۳۵
- جست‌وجوی خطبه‌های توحیدی نهج‌البلاغه در «کتاب التوحید»... / حنا سادات زهرانی و مهدی مجتهدی ۶۷
- آسیب‌شناسی پدیده «رویکرد» در پژوهش‌های هنری ایران/ محمدرضا غیاثیان و میترا رضایی ۹۱
- نگاهی به لغزش‌ها و خطاهای موجود در «دانشنامه حکیم میسری»/ اکبر حیدریان ۱۰۹
- نقش و اهمیت «مناقب الاصفیاء» شاه شعیب فردوسی... / محمدصادق خاتمی و نجف جوکار ۱۲۷
- پژوهشی درباره کهن‌ترین اثر در شرح شواهد شعری «الکشاف»/ سجّاد حبیبی و هادی نصیری ۱۴۹
- جستاری در هویت «شیخ بحر پارس»/ سید محمد مهدی جعفری طبری شیاده ۱۷۳
- ووستنفلد و «مقتل الحسین» منسوب به ابو مخنف/ انیس وحید ۱۸۱
- بازتاب بیماری‌های همه‌گیر در متون تاریخی و ادبی شبه‌قاره هند/ فاطمه فیاض ۲۰۱
- چکیده انگلیسی/ مجدالدین کیوانی 3

ووستنفلد و «مقتل الحسین» منسوب به ابومخنف

انیس وحید*

چکیده

درست‌ترین نتیجه‌ای که تاکنون درباره کتاب معجول مقتل الحسین منسوب به ابومخنف کوفی گرفته شده آن است که به سبب تصرفات زیادی که در جای‌جای آن صورت گرفته، هیچ یک از تحریرهای متفاوتی که در دستنویس‌های مستقل از این اثر باقی مانده نمی‌تواند متعلق به او باشد؛ تاریخ‌گذاری این کتاب نیز مورد بحث و گفتگو بوده و هست.

مقاله حاضر به یکی از قدیم‌ترین تحقیقات مربوط به این اثر معجول، نوشته هاینریش فردیناند ووستنفلد، اسلام‌شناس مشهور، می‌پردازد. ووستنفلد ترجمه‌ای آلمانی از این اثر، همراه با مقدمه‌ای فاضلانه بر آن، عرضه کرد که در سال ۱۸۸۳م در گوتینگن چاپ شد. در این مقاله، برای نخستین بار متن کامل مقدمه او از آلمانی به فارسی ترجمه شده و به همراه آن، کتاب‌شناسی نسبتاً مفصّلی از پژوهش‌های او در حوزه اسلام‌شناسی و تصحیح متون اسلامی، منابع و روش کارش در بررسی مقتل الحسین معجول و برخی نکات درباره آن بیان شده است.

کلیدواژه: مقتل الحسین، کربلا، ابومخنف، ووستنفلد

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۳/۱۶ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۵/۳۰

* پژوهشگر مستقل / anisvahid@gmail.com

۱. مقدمه

یکی از مواریت مکتوب جهان اسلام از سده دوم هجری، نگارش‌های ابومخنف، شیخ اخباری کوفه است که آثار فراوانی را در موضوع تاریخ اسلام پدید آورده و در نگارش‌های پس از خود تأثیر عمیقی گذاشته است. اگرچه بیشتر آثار او از بین رفته، تحریرهای متأخری در قالب رساله‌های مستقل منتسب به او باقی است که بررسی کتاب‌شناختی و تحلیلی آن‌ها با دشواری همراه بوده است. هاینریش فردیناند ووستنفلد (Heinrich Ferdinand Wüstenfeld) یکی از نخستین پژوهشگرانی است که در دوران جدید به ابومخنف و آثارش پرداخته و پژوهش‌هایش در بین محققان و مصححان آثار اسلامی اغلب معتبر شناخته می‌شود. در واقع او نوشته‌های کهن اسلامی را از روی نسخه‌های کتابخانه‌های برلین، گوتا، لیدن، پاریس، وین و پترزبورگ برای نخستین بار بررسی کرده و تصحیح‌های مشهوری از مهم‌ترین منابع تاریخی و جغرافیایی جهان اسلام به یادگار گذاشته است.

یکی از آخرین پژوهش‌های ووستنفلد، بررسی و ترجمه آلمانی کتاب مقتل الحسین منسوب به ابومخنف است که دستنویس‌هایی از آن را در برخی کتابخانه‌های اروپایی تازه تأسیس، یافته و با مقابله آن‌ها توانسته به برداشتی نسبتاً درست از ماهیت این اثر دست یابد. در حقیقت وی با مواریت کهن متعلق به دوران تدوین علوم در جهان اسلام آشنایی کامل داشته است. وی علاوه بر آشنایی با آثار ابن اسحاق، واقدی، طبری، ابن قتیبه، ابن اثیر و جز این‌ها، سنت‌های متنوع در بین مورخان عربی نویسنده را می‌شناخته و در نهایت توانسته تحلیل نسبتاً عمیقی از منبع مورد بررسی خود پیرامون مقتل امام حسین^(ع) عرضه نماید. البته او متن عربی این اثر را تصحیح نکرده و فقط به نشر ترجمه آلمانی آن اقدام نموده است. اما در یک مقدمه کوتاه و عمیق سعی کرده وضعیت مقتل الحسین و نسبت آن با ابومخنف را نشان دهد. از آن‌جا که مقدمه او در این باب یکی از نگارش‌های کهن مستشرقین درباره واقعه کربلا و مقتل نویسی به حساب می‌آید، لازم است به ترجمه، بازخوانی و تحلیل آن بپردازیم.

۱-۱. ابومخنف و مقتل الحسين او

ابومخنف لوط بن يحيى بن سعيد بن مخنف بن سليم ازدی غامدی کوفی (متوفی پیش از ۱۷۰ق)، نواده مخنف بن سليم، صحابی پیامبر (ص) و امام علی (ع) (درباره مخنف بن سليم، برای نمونه، نک. ابن سعد، ۱۴۱۰ق: ۱۰۹/۶-۱۱۰؛ البغدادی، ۱۴۲۴ق: ۴۸۷۱/۱۴-۴۸۷۳؛ أبوالشيخ الأنصاري، ۱۴۱۲ق: ۲۷۷/۱-۲۸۲)، اخباری بزرگ سده دوم هجری و صاحب آثار مهمی در موضوع تاریخ اسلام است که نظرات گوناگونی درباره او و استناد به آثارش در بین تیره‌های فکری مختلف جهان اسلام ابراز شده است (درباره ابومخنف به‌طور کلی، نک. الندیم، ۱۳۶۶: ۱۵۷-۱۵۸؛ النجاشی الأسدی الکوفی، ۱۴۰۷ق: ۳۲۰-۳۲۱؛ الطوسی، بی تا: ۳۸۱-۳۸۲؛ بهرامیان، ۱۳۷۳: ۲۱۳-۲۲۰).

مقتل الحسين از ابومخنف کوفی - که امروزه به «مقتل ابومخنف» نیز شهرت دارد - در فهرست آثار او که ندیم بغدادی، نجاشی و دیگران از آن نام برده‌اند دیده می‌شود و تا چند سده بعد نیز ظاهراً در اختیار برخی مؤلفان جهان اسلام قرار داشته است. نکته حائز اهمیت آن است که کتاب مجعولی که احتمالاً در قرن ششم پدید آمده و با نام «مقتل ابومخنف» شهرت دارد، ربطی به مقتل الحسين که آن را ابومخنف در سده دوم هجری نگاشته ندارد (این متن را مجلسی دوم در بحار الأنوار نقل کرده [نک. الرفاعی، ۱۳۷۱: ۷۲۷-۷۳]؛ أفندی الإصبهانی، ۱۴۰۳ق: ۵۱۲/۵-۵۱۳] و به‌صورت مستقل نیز چندین بار به چاپ سنگی [از ۱۲۷۱ق به بعد] و سربی رسیده است. بعدها بسیاری از کتاب‌شناسان جهان اسلام آن را اثری متفاوت از اثر اصلی ابومخنف دانسته‌اند (برای آگاهی بیشتر، نک. رضایی، ۱۳۹۹: ۶۹-۷۵). برخی محققان بخش‌هایی از مقتل الحسين را از منابع متقدم تدوین کرده‌اند، و منظم‌تر از همه محمدهادی یوسفی غروی در کتاب وقعة الطف لأبي مخنف کوشیده نقل قول‌های اصیل مقتل الحسين ابومخنف را که عمدتاً در تاریخ طبری و شماری مأخذ دیگر مندرج است، گردآوری و آن اثر مفقود را بازسازی نماید. همچنین باید یاد کرد از کتاب نصوص من تاریخ أبي مخنف، تدوین و گردآوری کامل سلمان الجبوری، که سعی کرده همه نقل قول‌های مورخان بعدی از آثار متعدد ابومخنف (و نه فقط از مقتل الحسين او) را گردآوری کند. این اثر در دو مجلد توسط دار المحجة البيضاء در بیروت منتشر شده است.

نتیجه‌گیری مهمی که ووستنفلد با درک درست و عمیق خویش از آثار کلاسیک عرب عرضه کرده آن است که مقتل الحسین ابومخنف، پس از دست‌به‌دست‌شدن‌های متعدد و قرار گرفتن در اختیار قصه‌نویسان، عملاً تغییر ماهیت داده و به کتابی دیگر در ادوار متأخر تبدیل شده است. مهم اینکه او زمانی به چنین نتیجه‌ای رسیده که هنوز مطالعات شیعی در مجامع غربی به‌طور جدی آغاز نشده و حتی آوازه بحار الأنوار - که تحریری از این مقتل در آن قرار دارد - به محافل علمی مستشرقین نرسیده بود.

۱-۲. ووستنفلد و پژوهش‌های اسلام‌شناسی

ووستنفلد (۳۱ ژوئیه ۱۸۰۸م - ۸ فوریه ۱۸۹۹م)، شرق‌شناس آلمانی، مصحح و پژوهشگر متون تاریخی و جغرافیایی جهان اسلام در قرن نوزدهم میلادی است که دستاوردهای وی همچنان مورد استناد قرار می‌گیرد. آغاز فعالیت وی در زمینه تصحیح آثار کلاسیک عربی مصادف با سال‌های اولیّه رواج صنعت چاپ در جهان اسلام است. وی نخستین آثار خویش را زمانی به چاپ رسانده (از جمله، چاپ طبقات الحفّاظ ذهبی در -۱۸۳۳ ۱۸۳۴م) که از ظهور صنعت چاپ «سربی» در ایران (چاپ رساله جهادیه، اثر میرزا عیسی قائم‌مقام، در سال ۱۲۳۳ق/۱۸۱۸م) کمتر از دو دهه می‌گذشته، و ورود صنعت چاپ «سنگی» و تکثیر متون اسلامی به ایران (چاپ متن قرآن کریم، در سال ۱۲۴۹ق/۱۸۳۴م) نیز دقیقاً در همان سال اتفاق افتاده است.

ووستنفلد تحصیلات خود را در دو دانشگاه گوتینگن و برلین به اتمام رساند و در آن دوران زبان‌های شرقی متعددی را فرا گرفت. او فعالیت خود را از ۱۸۳۸م در دانشگاه گوتینگن به‌عنوان کتابدار آغاز کرد و در ۱۸۴۲م به کسوت استادی دانشگاه درآمد و در فاصله ۱۸۵۴م تا ۱۸۷۹م به‌عنوان استاد و مدیر در دانشگاه گوتینگن (از ۱۸۷۶م در مقام مدیر کرسی تاریخ آکادمی علوم در آن دانشگاه) اشتغال داشت. وی یکی از پراثرترین محققان در زمینه تاریخ و تاریخ ادبیات عرب شناخته می‌شود که تمرکز اصلی اش همواره بر پژوهش و چاپ آثار تاریخی زبان عربی بوده است. قسمت اعظم شهرت این خاورشناس بزرگ مرهون تصحیح و نشر برخی از آثار کلاسیک عربی در رشته تاریخ و جغرافیاست که

از مهم‌ترین آن‌ها می‌توان به آثار ابن خلکان، ابن اسحاق، ابن قتیبۀ، ابوعبید بکری، یاقوت حموی و زکریا قزوینی اشاره کرد. وی همچنین تألیفات متعددی دربارهٔ زبان و جغرافیای قلمرو اسلامی و نیز تاریخ و جغرافیای مکه و مدینه داشته که بیشتر آن‌ها در قالب کتابچه‌هایی نشر یافته است. برخی از آثار او، شامل کتب تصحیحی، تألیفی و مقاله‌های طولانی و کتابچه‌ها، به شرح زیر است:

- تصحیح بخش‌هایی از طبقات الحُفَاط [یا تذکرة الحفَاط]، از شمس‌الدین ابوعبدالله ذهبی، گوتینگن، ۱۸۳۳-۱۸۳۴م.

- تصحیح و فیات الأعیان، ابن خلکان، گوتینگن، ۱۸۳۵-۱۸۵۰م.

- تصحیح اللباب فی تهذیب الأنساب، از ابن اثیر، گوتینگن، ۱۸۳۵م.

- تصحیح تهذیب الأسماء و اللغات، از نَوَوی، گوتینگن، ۱۸۴۲-۱۸۴۷م.

- تصحیح کتاب المشترك وضعاً و المفترق صقعا [=فرهنگ هم‌نام‌های جغرافیایی]،

یاقوت حموی، گوتینگن، ۱۸۴۶م.

- تصحیح بخشی از خِطَط مقریزی، به‌همراه ترجمهٔ آن، گوتینگن، ۱۸۴۷م [بر اساس

دستنویس‌های لیدن، پاریس و وین].

- تصحیح عجائب المخلوقات از زکریا قزوینی، گوتینگن، ۱۸۴۸م.

- تصحیح آثار البلاد و أخبار العباد، از زکریا قزوینی، گوتینگن، ۱۸۴۸م.

- تصحیح کتاب مختلف القبائل و مؤتلفها، از ابوجعفر محمد بن حبيب بغدادی،

گوتینگن، ۱۸۵۰م.

- تصحیح کتاب المعارف، ابن قتیبۀ، گوتینگن، ۱۸۵۰م.

- تصحیح کتاب الإشتقاق، از ابن‌درید، گوتینگن، ۱۸۵۴م.

- تصحیح کتاب سیرة سیدنا محمد رسول‌الله ص [مشهور به سیرة رسول‌الله ص]، روایة

أبی‌عبدالله عبدالمملک بن هشام عن... محمد بن اسحاق، گوتینگن، ۱۸۵۸-۱۸۶۰م [ج ۱،

در دو مجلد مشتمل بر ۱۰۲۶ص، و ج ۲ شامل برخی ملاحظات و یادداشت‌ها].

- تصحیح و بازسازی مجموعه‌ای از آثار در باب اخبار مکه (Die Chroniken der Stadt

Mekka)، لایپزیگ، ۱۸۵۷-۱۸۶۱م، ج ۴ [این مجموعهٔ چهارجلدی، مشتمل بر پنج اثر در

تاریخ محلّی مکه همراه تصحیح و ترجمه گزیده آن‌ها به آلمانی است که عبارتند از: متن کامل اخبار مکه و ما جاء فیها من الآثار از ازرقی، بر اساس دستنویس‌های برلین، گوتا، لیدن، پاریس و پترزبورگ (ج ۱)؛ گزیده‌ای از سه کتاب اخبار مکه از فاکهی، شفاء الغرام از فاسی، الجامع اللطیف از ابن ظهیرة، بر اساس دستنویس‌های لیدن، برلین و گوتا (ج ۲)؛ و الاعلام باعلام بیت‌الله الحرام از قطب‌الدین نهروالی، بر اساس دستنویس‌های برلین، گوتا و لیدن (ج ۳). ووستنفلد در ج ۴ به تاریخ مکه پرداخته و گزارش‌ها و اطلاعات سه جلد نخست را با نظمی تاریخی عرضه کرده است. او همچنین در این جلد نقشه‌ای از شهر و شجره‌نامه شرفای مکه به دست داده است (در این باره، نیز نک. احمدیان، ۱۳۹۲: ۹۶-۹۹).

- تصحیح معجم البلدان، از یاقوت حموی، لایپزیگ، ۱۸۶۶-۱۸۷۳م [او مقاله‌ای نیز با عنوان «یاقوت مسافر به‌عنوان نویسنده و عالم» (Der Reisende Jâcût als Schriftsteller und Gelehrter) نگاشته که زندگی نامه یاقوت حموی بر اساس منابع مختلف است و در مجله اخبار انجمن علوم گوتینگن (Nachrichten der Gesellschaft der Wissenschaften zu Göttingen) در سال ۱۸۶۵م، ص ۲۳۳-۲۴۳ منتشر شده است].

- تصحیح معجم ما استعجم، از ابوعبید بکری، ۱۸۷۶-۱۸۷۷م.

- مدارس عرب و مدرّسان آن: بر اساس گزیده‌ای از طبقات الشافعیة ابن قاضی [شبهة Die Akademien der Araber und ihre Lehrer: nach Auszügen aus Ibn Schohba's Klassen der Schafeiten]، گوتینگن، ۱۸۳۷م [کتاب حاضر در بردارنده معرفی ۳۷ مدرسه علمی در بغداد، نیشابور، دمشق، اورشلیم و قاهره در فاصله قرون پنجم تا نهم هجری، و زندگی نامه مختصری از ۲۵۴ نفر از علماست که ۱۸۷ نفر از آن‌ها در ذیل بخش مدارس و ۶۷ نفر از ایشان در بخش مستقلی در انتهای کتاب معرفی شده‌اند. متن آلمانی با گزیده‌ای دوصفحه‌ای از آثار ابن خلّکان به پایان می‌رسد و ضمیمه کتاب نیز ۲۲ صفحه شامل منتخبی از مطالب کتاب ابن قاضی شبهه است که برای نخستین بار عرضه گردیده است].

- پیرامون منابع و فیات الأعیان ابن خلّکان (Über die Quellen des Werkes: Ibn Challikani vitae illustrium virorum)، گوتینگن، ۱۸۳۷م.

- تاریخ اطباء و محققان علوم طبیعی عرب (*Geschichte der arabischen Aerzte und Naturforscher*)، گوتینگن، ۱۸۴۰.

- جداول شجره‌نامه‌ای قبایل و خاندان‌های عرب، به همراه یادداشت‌های تاریخی و جغرافیایی در یک فهرست الفبایی (*Genealogischen Tabellen der Arabischen Stämme und Familien, Mit Historischen und Geographischen Bemerkungen in einem alphabetischen Register*)، گوتینگن، ۱۸۵۲م [این اثر شجره‌نامه قبایل و خاندان‌های عرب را در دو بخش قبایل یمنی (قحطانی) و قبایل اسماعیلی (عدناتی) عرضه می‌کند. سه شجره خانوادگی به عربی در ابتدای جداول، نسب مشترک اوس و خزرج را نشان می‌دهد و شجره چهارم نیز مربوط به حاکمان اموی اندلس است].

— جدول تطبیقی تقویم اسلامی و مسیحی (*Vergleichungs-Tabellen der Muhammedanischen und Christlichen Zeitrechnung*)، لایزیگ، ۱۸۵۴م (و چاپ‌های متعدّد بعدی). طبق شرح قریشی (صاحب کتاب مشهور فارسی که بر مبنای کتاب ووستنفلد و تکمله ماهر منتشر شده. نک. سطور آینده، و منابع) درباره تاریخچه تدوین تقویم‌های تطبیقی نزد مستشرقین، «از قرن هیجدهم میلادی به بعد دانشمندان مستشرق همواره تلاش می‌کرده‌اند تا به یک سیستم علمی تطبیق سال‌های هجری و میلادی دست یابند. مستشرق شهیر، ایدلر اولین کسی بود که با انتشار کتاب خود در میان سال‌های ۱۸۲۱-۱۸۴۴م... زمینه لازم این کار را فراهم آورد و از روی علم هیأت ثابت کرد که رابطه‌ای بین این دو سیستم گاه‌شماری وجود دارد» (ووستنفلد - ماهر، ۱۳۶۰: بیست و پنج). جدول ووستنفلد «سال‌های ۱ تا ۱۳۰۰ هجری قمری را شامل می‌شد و کمی ناقص به نظر می‌آمد. در نتیجه مستشرق دیگر... ادوارد ماهر به تکمیل آن همت گماشت و آن را تا سال ۱۵۰۰ هجری قمری توسعه داد... توفیق ووستنفلد و ماهر در تهیه جداول تطبیقی مذکور توجه و علاقه مستشرقین را به این موضوع مهم برانگیخت و دانشمندان دیگری نیز به تهیه تقویم‌های مشابهی پرداختند... از جمله شایبه در سال ۱۸۶۷م در الجزیره، لار در سال ۱۸۸۷م در طنجه، مالاتریس در سال ۱۸۸۹م، ژوسنه در ۱۹۰۳م در مادرید، شرام در ۱۹۰۸م، گابرائیلی در ۱۹۱۶م در رم، زامباور در ۱۹۲۷م در هانوفر، سر وولزلی هیگ در ۱۹۳۲م در لندن، پردا روگیگ در ۱۹۴۱م در تئوان، هیمه‌نز در ۱۹۴۶م در مادرید،

فیلیپس در سال ۱۹۵۱م در لندن [و شماری دیگر] آثار پراج خود را منتشر ساختند» (همان: بیست و هفت - بیست و هشت).

- تاریخ شهر مدینه بر اساس گزیده‌ای از متن عربی متعلق به سمهودی (*Geschichte der Stadt Medina: im Auszuge aus dem Arabischen. By 'Alī ibn 'Abd Allāh al-Samhūdī*، گوتینگن، ۱۸۶۰م [این کتاب بر اساس خلاصه الوفاء - که خود تلخیصی از وفاء الوفاء سمهودی است - نگارش یافته و شامل هشت فصل است که با فهرستی عربی - آلمانی از اسامی امکنه مدینه به پایان می‌رسد].

- جاده‌های اصلی منشعب از مدینه، بر اساس توصیف نویسندگان عرب (*Die von Medina auslaufenden Hauptstrassen, Nach Arabischen Schriftstellern*، (beschrieben)، ۱۸۶۴م.

- اقامتگاه‌ها و مسیر هجرت قبائل عربی [ترجمه بخشی از کتاب ابو عبید بکری] (*Die Wohnsitze und Wanderungen der arabischen Stämme*)، ۱۸۶۹م [این کتاب ترجمه آلمانی مقدمه معجم ما استعجم اثر ابو عبید بکری، و متضمن اطلاعات ادبی، تاریخی، جغرافیایی و تبارشناسی است که در جدول شجره‌نامه قبایل و خاندان‌های عرب نیز از آن استفاده شده است].

- جاده بصره به مکه: با چشم انداز ضارجه (*Die Strasse von Baçra nach Mekka: mit der Landschaft Dharīja*)، بر اساس نقشه ترسیم شده پروفیسور کیپر، گوتینگن، ۱۸۷۱م.

- بحرین و یمامه، بر اساس توصیف جغرافی دانان عربی (*Bahrein und Jemâma. Nach arabischen Geographen beschrieben*)، گوتینگن، ۱۸۷۴م. این اثر کوتاه کوششی است در جهت شناخت جغرافیای مناطق بحرین و استان یمامه بر اساس آثار جغرافی دانان و شاعران عرب با بهره‌مندی از اسامی جغرافیایی به کاررفته توسط آنها. در مقدمه این اثر به این نکته پرداخته شده که بحرین و یمامه ناشناخته‌ترین قسمت‌های شبه جزیره عربی می‌باشند که تنها سه اروپایی در سال‌های ۱۸۱۹م، ۱۸۶۲-۱۸۶۳م و ۱۸۶۴م توانسته بودند به این مناطق سفر کنند، بی‌آنکه درک جغرافیایی درستی از آن قلمرو داشته باشند. کتاب مشتمل بر یک نقشه و فهرستی الفبایی از اسامی امکنه به عربی و آلمانی است.

- قلمرو مدینه (*Das Gebiet von Medina*)، ۱۸۷۳م.

- ترجمه آثار عربی به لاتین از قرن یازدهم (*Die Übersetzungen arabischer Werke in*)
(das Lateinische seit dem XI. Jahrhundert)، ۱۸۷۷ م.
- تاریخ خلفای فاطمی براساس منابع عربی (*Geschichte der Fatimiden-Chalifen*)
(nach Arabischen Quellen)، ۱۸۸۱ م.
- تاریخ نویسان عرب و آثار آنها (*Die Geschichtschreiber der Araber und ihre*)
(Werke)، گوتینگن، ۱۸۸۲ م.
- مقتل الحسین بن علی و ثار [المختار]، رمانی تاریخی از عربی (*Der Tod des Husein*)
(ben Ali und die Rache, Ein historischer Roman aus dem Arabischen)، گوتینگن،
۱۸۸۳ م [ترجمه مقتل الحسین منسوب به ابومخنف است (نک. پایین تر)]، که مقدمه آن در
این منبع منتشر شده است:
- Abhandlungen der königlichen Gesellschaft der Wissenschaften zu Göttingen,*
Dreissigster Bend, vom Jahre 1883, pp. III-IX.
- فخرالدین، امیر دروزی و معاصرانش؛ قیام در سوریه و آناتولی علیه ترکان در نیمه اول
قرن یازدهم (*Fachr ed-dîn der Drusenfürst und seine Zeitgenossen; die Aufstände in*)
Syrien und Anatolien gegen die Türken in der ersten Hälfte des XI. (XVII.)
Jahrhunderts)، گوتینگن، ۱۸۸۶ م.
- تاریخ ترکها: با ملاحظه حق مالکیت فرضی آنها بر یونان (*Geschichte der Türken,*)
mit besonderer Berücksichtigung des vermeintlichen Anrechts derselben auf den
(Besitz von Griechenland)، ۱۸۹۹، لایپزیگ.
- برای تهیه این کتاب شناسی منابع بسیاری، از جمله اصل آثار ووستنفلد، از نظر گذرانده
شده است (درباره ووستنفلد به طور عام، و نیز پیرامون برخی آثارش در منابع تحقیقات
پژوهشگران جهان اسلام، نک. الزرکلی، ۱۹۸۹ م: ۹۹/۸، که تنها به تصحیح های او اشاره
شده است؛ ووستنفلد - ماهر، ۱۳۶۰: بیست و پنج - بیست و هفت؛ عبدالحمید صالح
حمدان، بی تا: ۵۸-۶۱؛ بدوی، ۱۹۹۳ م: ۳۹۹-۴۰۲).

۱-۳. ارزش های کار ووستنفلد در بررسی چند دستنویس مقتل الحسین

ووستنفلد را در گزارش های معاصر پژوهشگری می شناسند که مطالعات مقتل نگاری را در

محافل مستشرقین آغاز کرده و با تنها اثری که در این زمینه از خود به جای گذاشته، مقدمه تحقیقات بعدی را فراهم کرده است. او براساس یک تحریر از مقتل منسوب به ابومخنف که در مجموعه ارزشمند و قدیمی «گوتا» در آلمان محفوظ است، و با مقایسه آن با نسخه‌های آن در کتابخانه‌های برلین، لیدن و پترزبورگ، تصویری درست و تحلیلی علمی از این متن به دست داد: متنی مربوط به ادوار متأخر اسلامی، ولی منتسب به یکی از مورّخین و اخباریون سده دوم هجری. او پیش‌تر در یکی دیگر از آثارش، به وجود دستنویس‌های مزبور و انتساب آن‌ها به ابومخنف اشاره ای کرده بود.^۱

نکته حائز اهمیت دیگر این است که ووستنفلد در سرآغاز دستنویس لیدن به نام «علی بن موسی بن جعفر بن محمد بن طاووس» برخورد کرده که تحریر موجود در آن دستنویس به او منسوب شده است. این ظاهراً نخستین مواجهه یکی از اسلام‌شناسان غربی با ابن طاووس حلی (۵۸۹-۶۶۴ق) است که به قول کلبرگ «در حالی که او در جهان تشیع شهرت بسزائی دارد، برای جهان دانش غربی به‌طور نسبی ناشناخته است. ووستنفلد که نام ابن طاووس را در نسخه‌ای ملاحظه کرده، از او با عبارت "شخصی ناشناخته با نام علی بن موسی... ابن طاووس" یاد کرده است. ابن طاووس برای آلوارت (Ahlwardt) نیز ناشناخته بوده است» (کلبرگ، ۱۳۷۱: ۱۴).

اهمیت ترجمه توضیحات ووستنفلد در ابتدای ترجمه مقتل الحسین در این است که بسیاری از محققان در ایران یا جهان اسلام را آگاه می‌سازد که او چه کتابی را بررسی کرده یا در تحلیل‌های خود به چه نتیجه‌ای رسیده است (برای نمونه، نک. حاجی‌ابوالحسنی - نوری، ۱۳۷۹: ۵۲):

آگاهی خاورشناسان به میراث علمی مسلمانان در زمینه عاشورانگاری، ابتدا از طریق

۱. تاریخ‌نویسان عرب و آثار آن‌ها (Die Geschichtschreiber der Araber und ihre Werke)، گوتینگن، ۱۸۸۲م: ۵-۶، ذیل شماره ۱۹. در این چند سطر از اثر مزبور، اطلاعات محدودی درباره ابومخنف، جد بزرگ او و نیز توجه قدما به آثارش بیان شده و نیز دستنویس‌های برلین، لیدن و گوتا از مقتل الحسین معرفی گردیده است. ووستنفلد درباره اعتبار و وثاقت ابومخنف در این گزارش کوتاه چنین نوشته است: «روایات ابومخنف توسط برخی مورّخین بعدی غیرقابل اعتماد دانسته شده و آن‌ها را به کناری نهاده‌اند، در حالی که گروهی دیگر روایات او را دست‌کم در مورد وقایع عراق بر همه ترجیح داده‌اند» (برای آگاهی بیشتر در این باره، نک. ترجمه مقدمه ووستنفلد، در پژوهش حاضر).

ترجمه آثار یا در جریان تصحیح این آثار انجام یافت. طبق گزارش سرگین، هاینریش فردیناند ووستنفلد کتاب *مقتل الحسین*^(۱) ابی مخنف را به آلمانی ترجمه کرد. نوشته والییری در بخش مآخذ مقاله *دائرة المعارف اسلام* به گونه‌ای است که اشاره به ترجمه آلمانی کتابی از ابن طاووس دارد. متن نوشته والییری این چنین است: «ابن طاووس، علی بن موسی، نویسنده متنی که ترجمه آن در کتاب زیر آمده است:

Der Tod des Husein ben Ali und die Rache, Ein historischer Roman aus dem [Arabischen]

ووستنفلد این ترجمه را در گوتینگن به سال ۱۸۸۳م در جلد سی ام Abh.G.Gott منتشر کرده است». حاصل گزارش سرگین و والییری این است که ووستنفلد دو کتاب یا بخش‌هایی از دو کتاب ابی مخنف و ابن طاووس را ترجمه کرده است. البته با توجه به حجم زیاد این دو اثر، گزارش‌های مذکور را باید با تردید نگریست. اصل ترجمه را برای داوری نهایی به دست نیاوردیم [!].

روشن است که قصور در بررسی اصل توضیحات ووستنفلد باعث چنین توصیف مبهمی شده است.

۲. ترجمه مقدمه ووستنفلد از نسخهٔ مجعول منتسب به ابومخنف

«مقتل الحسین بن علی و ثار المختار^۲، رمانی تاریخی از ادبیات عرب»^۳

ابومخنف^۴ لوط بن یحیی بن سعید بن مخنف بن سلیم الازدی الغامدی، از خاندان غامد از تیرهٔ ازد، قدیم‌ترین مورخ عرب شناخته‌شده برای ما محسوب می‌شود که در ادامه از آثار او به تفصیل سخن خواهیم گفت. جد بزرگ او *مخنف بن سلیم* (یا سالم) از معاصران و اصحاب جوان حضرت محمد^(ص) بوده که احادیثی از او روایت کرده است. به گفتهٔ برخی

۱. در اصل نوشتهٔ ووستنفلد، به جای این واژه از «مرگ» (der Tod) استفاده شده که از این پس، در همه جا، به مقتل ترجمه شده است (مترجم).

۲. در نوشتهٔ ووستنفلد برای این واژه نیز از معادل آلمانی «انتقام» (die Rache) بهره برده شده که به تناسب موضوع و با تکمیل دانسته‌ها از منابع دیگر، از «ثار المختار» (به معنای خونخواهی و انتقام گرفتن توسط مختار) بهره برده‌ایم (مترجم).

۳. چنین است توضیح ابتدایی ووستنفلد: «این مقاله در جلسهٔ انجمن سلطنتی علم به تاریخ پنجم آگوست ۱۸۸۲م قرائت شده است» (مترجم).

۴. دربارهٔ تلفظ ابی مخنف شکی وجود ندارد (نک: قاموس، مادهٔ «خنف»؛ ابن درید، ص ۲۸۹).

منابع، وی در هنگام تأسیس شهر کوفه در سال‌های ۱۸-۱۹ق رئیس قبیلهٔ ازد بوده و به اذعان برخی دیگر در بصره می‌زیسته است. او از سوی علی بن ابی‌طالب به فرمانداری اصفهان منصوب شده و در سال ۳۷ق نیز در جنگ صفین به عنوان رهبر و پرچمدار قبیلهٔ خود در کنار او جنگیده است.^۱ گفته شده که مخنف در این جنگ با دو برادرش قاسم و عبدالله شرکت داشته، و در منابع بعدی از او در کنار پسرش عبدالرحمن یاد شده است.^۲

در بارهٔ ابومخنف^۳ لوط بن یحیی اطلاع بیشتری در دست نیست، جز اینکه او صاحب ۳۲ تک‌نگاری است که ابن‌ندیم عنوان آن‌ها را در صفحهٔ ۹۳ از الفهرست خود آورده است. در حقیقت، این آثار دربارهٔ سیرهٔ مشاهیر، مغازی، نبردهایی از عرب قدیم و پیکارهایی از عهد اسلامی است. طبری در میان این تک‌نگاری‌ها، از شش اثر بهره برده و گزیده‌های مفصل‌تری از آن‌ها را عرضه کرده که حاوی ذکر صریح نام اثر و پدیدآورندهٔ آن است: آثاری چون «کتاب مقتل حجر بن عدی»، «کتاب مستورد بن علفة»، «کتاب الضحاک الخارجی»، «کتاب الصفین»، «کتاب مقتل الحسین» و «کتاب المختار بن ابی‌عبید». در اهمیت ابومخنف می‌توان گفت که طبری در بخش عمده‌ای از جلد دوم تاریخ خود، پس از تاریخ [= سیره] ابن‌هشام، از آثار ابومخنف بهره جسته و بلاذری، یاقوت و ابن‌اثیر نیز از نقل مطالب او در آثارشان ابایی نداشته‌اند.

امروزه در مجموعه‌های برلین، لیدن، گوتا و سن‌پترزبورگ نسخه‌هایی خطی با عناوین «مقتل الحسین» و «انتقام مختار» وجود دارد. به تبع اطلاعات موجود در فهرست‌های اشپرنگر، دوزی، پرچ و بارون روزن، من نیز ذیل شمارهٔ ۱۹ از رساله‌ام دربارهٔ تاریخ‌نویسان عرب^۴، این نوشته‌ها را تحت نام ابومخنف فهرست کرده و آن‌ها را قدیم‌ترین آثار تاریخی

۱. ابن‌قتیبه، ص ۲۶۷؛ ابن‌اثیر، معاصرین محمد، IV، ۳۳۹؛ فهرست طوسی از کتب شیعه، تصحیح آ. اشپرنگر (Bibl. Ind.)، ص ۲۶۰.

۲. ابن‌اثیر، chronik III، ۲۰۷، ۳۱۵.

۳. قاعدتاً صورت صحیح ابن‌مخنف است، چراکه تعداد زیادی از طوایف و خاندان‌ها، نام خود را از جدّ واحدی گرفته‌اند که در زمان حضرت محمد (ص) می‌زیسته است. با این حال نام مؤلف ما همه‌جا به صورت ابومخنف نامیده می‌شود.

۴. عنوان کامل این رسالهٔ ووستنفلد تاریخ‌نویسان عرب و آثار آن‌ها (*Die Geschichtschreiber der Araber und ihre Werke*) است که در گوتینگن به سال ۱۸۸۲م منتشر شده است (مترجم).

باقی مانده از اعراب نامیده‌ام. در این نوشته‌ها همواره از ابومخنف به‌عنوان مؤلف یا راوی با عبارت «قال ابومخنف» نام برده شده است. بسیار محتمل است که ابومخنف با برخی از معمرانی که در جنگ حسین و بنی‌امیه شرکت داشته‌اند آشنا بوده و از این روست که گاه از افراد معاصر آن واقعه نقل‌هایی کرده است. همچنین سلسله روایانی که در مواضع متعدّد از آن‌ها یاد شده، تا رسیدن به زمان واقعه حسین ادامه دارد. در واقع، چندین نقل قول طبری و ابن‌اثیر با بخش‌هایی از این دستنویس‌ها تقریباً برابر است. با این حال به نظر می‌رسد [در این دستنویس‌ها] ابومخنف در سطح یک راوی معمولی قهوه‌خانه‌ای تنزل یافته، و به همین سبب شایسته نیست او را پدیدآور و ثبت‌کننده حقیقی این تواریخ به شمار آوریم. این نتیجه پس از بررسی دقیق‌تر دستنویس گوتا حاصل شد و مقایسه سایر دستنویس‌ها نیز آن را تأیید نمود. نگارنده سه مورد از این دست‌نویس‌ها را به‌طور کامل استنساخ کرده و در عرضه متن نیز دست‌نویس گوتا (شماره ۱۸۳۸) با رمز G^۱، دست‌نویس برلین - اشپرنگر (به‌شماره‌های ۱۵۹ و ۱۶۰) با رمز B و در نهایت، دست‌نویس لیدن (شماره ۷۹۲) با رمز L مشخص شده است. در مورد دست‌نویس پترزبورگ (با رمز P) که فقط شامل بخش اول است نیز باید گفت که پس از خواندن یادداشت‌های بارون ویکتور روزن^۲، و پس از مقایسه با فقرات بیشتری از آن دستنویس که به لطف آقای روزن به دست آمد، مشخص شد که دستنویس P بیش از همه با دستنویس G مطابقت دارد. رونوشت ارسالی روزن - که به درخواست نگارنده تهیه شده بود - همچنین این امکان را فراهم کرد تا برگه‌ای مفقود از دستنویس G تکمیل گردد.^۳

سلسله روایان در آغاز دستنویس‌های GPB (ص ۲) مشکوک است، هرچند نام‌های معروفی در میان آن‌ها دیده می‌شود. [برای مثال] در دستنویس P ذکر «مُنذر بن هشام عن محمد بن النائب» آمده که کاملاً نادرست است؛ در دستنویس B «المنذر بن هشام بن السائب» دیده می‌شود؛ و در دستنویس G این گونه است: «ابومخنف لوط بن یحیی عن

۱. عدد سال در انتهای دستنویس [۹۹۸ق]، سال استنساخ دستنویس است، و مابقی دستنویس‌ها نیز بدون تاریخ هستند.

۲. با عنوان Notices sommaires des Mss. Arabes du Musée Asiatique، شماره ۱۵۱.

۳. نک. صفحه ۱۸ از متن ترجمه.

ابی‌المنذر بن هشام عن محمد السائب». نگارنده هنگام ترجمه این اشتباهات آشکار را تصحیح کرده است، چراکه از منابع دیگر (به‌عنوان مثال: طبری II. ۱۷ و ۲۸؛ یاقوت I. ۱۷۳، سطر ۵، v.u.) برمی‌آید که نسب‌شناس شهیر، ابوالمنذر هشام بن محمد بن السائب (متوفای ۲۰۴ق) از شاگردان ابومخنف بوده که اقوال او را ضبط و ویرایش می‌کرده است.

اگر بخواهیم جزئیات بیشتری درباره محتوای کتاب بیان کنیم، می‌توان نیمه اول بخش اول، یعنی تا خروج حسین از مدینه، را تاریخی و در مواردی وام‌گرفته از ابومخنف در نظر گرفت، چراکه روایت در این بخش به‌جز در مواردی جزئی همچنان معتبر به نظر می‌رسد. اما بخش بعدی اثر تنها در بردارنده محتوایی افسانه‌ای و اغراق‌آمیز و تقریباً بدون هیچ ارزش تاریخی است و در این‌جا به نظر می‌رسد که تنها سطرهای محدودی واقعا به ابومخنف تعلق دارد، اگرچه در این بخش نیز عبارت معمول «قال ابومخنف» همواره دیده می‌شود.

اکنون این سؤال مطرح است که کدام یک از دستنویس‌های ما در بخش اول حاوی متن اصلی ابومخنف یا به آن نزدیک‌تر است، زیرا تفاوت در متن‌ها آن اندازه است که نمی‌توان آن‌ها را رونوشتی از یک نسخه اصلی و واحد به حساب آورد. در مواردی این تصور پیش می‌آید که شخصی سه یا چهار بار داستان واحدی را روایت می‌کند و هر بار از کلمات و عبارات متفاوتی بهره می‌گیرد تا همان داستان را بیان کند. همچنین در روایت تک‌تک رویدادها تغییراتی ایجاد می‌شود و متن چنان انحرافات را نشان می‌دهد که مقایسه واقعی نسخه‌ها را با یکدیگر ناممکن می‌سازد. اگر دستنویس G را اساس و متضمن معتبرترین تحریر در نظر آوریم، دستنویس P به آن از همه نزدیک‌تر است؛ با این حال، به دلیل حذف کلمات، بسیار خلاصه‌شده به نظر می‌رسد، به‌ندرت الحاقاتی در آن دیده می‌شود و عبارات همچنان متفاوت است. در مقدمه‌ای کوتاه از دستنویس L، فردی ناشناس با نام «علی بن موسی بن جعفر بن محمد بن طاووس الحسنی»^۱ خود را «گردآورنده این کتاب» می‌خواند. با این حال این تحریر همچنان به دستنویس G بسیار نزدیک است و در برخی موارد کاستی‌ها و یا اضافاتی نسبت به آن دارد. اما دستنویس B تحریری را نشان می‌دهد که بیشترین انحراف را از دستنویس G دارد و دارای تفصیل و اطناب بیشتری است، و گاه

۱. در این باره، در متن مقاله توضیحی آمده است (مترجم).

جزئیات را بسیار گسترش می‌دهد. هرچند روشن است که دیگر آثار تاریخی قدیم‌تر نیز دستخوش اقتباس‌های مختلف رمان‌گونه شده‌اند^۱، اما ابومخنف دروغین ما در اغراق‌ها و داستان‌هایی از باورنکردنی‌ترین وقایع، از واقده‌های دروغین نیز پیشی گرفته است.

برای اثبات این‌که این متن نه یک اثر تاریخی، بلکه فقط یک رمان تاریخی محسوب می‌شود که نوشته‌های ابومخنف مبنای آن را فراهم کرده، هیچ راهی مناسب‌تر از عرضه ترجمه‌ای کامل از آن نبود. از این رو بر آن شدم که این مهم را انجام دهم، چراکه این شاخه از ادبیات عرب تاکنون کمتر مورد توجه قرار گرفته است.

دومین بخش اصلی اثر، «ثار [المختار]» است که نویسنده («صاحب الحدیث») در آن خود را از ابومخنف متمایز کرده است. با این حال، در این بخش حتی کمتر از بخش قبل پی می‌بریم که از چه مقدار از نوشته‌های ابومخنف در مورد زندگی مختار استفاده شده است، چراکه بدیهی است نقل قول‌های ادعاشده حقیقتاً متعلق به ابومخنف نیست و بی‌تردید وفاداری به متن اصلی ابومخنف مقصود نویسنده ما نبوده و عنوان «ثار [المختار]» برای او کاملاً بیگانه است. از دیگر نشانه‌های جدایی این اثر از متن اصلی ابومخنف آن است که در این بخش، مختار قهرمان اصلی داستان نیست، بلکه فرمانده او، ابراهیم بن مالک اشتر، قهرمان به حساب می‌آید.

دستنویس B متضمن ضمیمه‌هایی درباره آزار و اذیت و اعدام افرادی از لشکر ابن زیاد است که در قتل حسین شناسایی شده بودند. متن دستنویس L نیز اضافاتی از نوع دیگری دارد. هرچند در هر دو تحریر، روایت در برخی صفحات تا وفات مختار ادامه یافته، آنچه که به تکمیل داستان می‌انجامد ضعیف است.

هر چند در این بخش از اثر، انطباق میان دستنویس‌ها، به‌ویژه بین دستنویس‌های G و B بیش از بخش نخستین است، با این حال همچنان بازسازی متنی یکپارچه با در نظر گرفتن تفاوت دستنویس‌ها با دشواری‌های زیادی همراه است.

در حقیقت با توجه به تنوع بسیار زیاد تحریرها، من تنها توانستم یکی از آن‌ها (دستنویس

۱. قس: دخویه، Mémoires d'histoire et de géographie orientales, No.2, Mémoire sur le Fotouho's-Scham, Leyde, 1864.

G) را ترجمه کنم، که ظاهراً کافی به نظر می‌رسد. این انتخاب نیز به این دلیل است که از نظر من این تحریر قدیم‌ترین و نزدیک‌ترین تحریر به متن اصلی است و در نتیجه صحیح‌ترین متن در میان این دستنویس‌ها تلقی می‌شود. همچنین این تحریر در توالی رویدادها در چندین مورد نظم بهتری نسبت به سایر دستنویس‌ها دارد، هرچند که نگارنده برخی از این رویدادها را در متن جایجا کرده یا آن‌ها را ذیل یادداشت‌ها قرار داده است. هرگاه که از دستنویس G چند کلمه یا عبارت در داخل پرانتز قرار گرفته، نشان‌دهنده این است که آنچه در پرانتز آمده منحصر به دستنویس G است و در آن مواضع سایر دستنویس‌ها با یکدیگر همخوانی دارند.

از آنجا که داستان در دستنویس L اندکی پیش از سایر تحریرها آغاز شده، آن را در ابتدا قرار داده‌ام و این سبب شده که ترجمه من دو مقدمه داشته باشد. در دستنویس B نیز داستان کوتاه دیگری (۱۶ برگ) ضمیمه شده^۱ که آن هم به ابومخنف منسوب است. آغاز این داستان تا حدودی مغشوش، اما تا حدی از اصالت برخوردار است. این متن این گونه آغاز می‌شود:

قال أبو مخنف رضي الله عنه أنه لما جلس في مجلس الخلافة و جلس على كرسي مملكته وفيه سبب قتل بني أمية على يديه و تحريص مولا بني هاشم حين رأى بني أمية وهم مجتمعون عنده قال أبو الحسن البكري عن محمد بن قتادة عن زيد بن علي أنه قال كان في مجلس رسول الله و قد سمع ان ملك بني أمية يبيد و يقرض و ترجع الخلافة الى بني العباس أول من يتولاها السفاح الخ.

پیش از هر چیز باید گفت که محتوای متن مربوط است به سُدیف، شاعر معاصر سفاح و منصور عباسی، و پایان آن عبارت است از:

فبلغ السفاح ما صنع سديف وعمه في بني أمية فرح بذلك فرحا شديدا قال فكتب له سديف كتابا يذكر فيه الآيات التي قالها فيه قبل دخوله الانبار و قبل مسيره الى عمه صالح قال واما ما كان من صالح فانه جعل يطلب آل زياد و آل مروان و آل سفیان و يهلكهم عشرة بعد عشرة و مائة بعد مائة و لم يتخلف عنهم الا القليل لانهم اووا الى ساحل البحر وهم

۱. این داستان در فهرست اشپرنگر (*A catalogue of the Bibliotheca Sprengeriana*)، شماره ۱۶۰ ذکر نشده است.

مايتا رجل فركبوا البحر قاصدين الى المغرب ولم يزل صالح يستقصى منهم حتى قتل منهم خلقا كثيرا ثم انهم ركبوا طالبيين بلاد المغرب فركب صالح في طلبهم في المراكب ومعه سديف وهو في جيش كثير حتى لحقهم و قتل كلا منهم ولم يبق منهم احدا الا قوما تزيتوا بزينة النساء وتلثموا وهم سالمون الى يومنا هذا وسموا لذلك بطائفة المتلثمين، قال فلما عاد صالح الى دمشق نذر ان تمكن من بني امية خربت ديارهم جميعا ولم ابق منهم بيتا من بيوتهم الا الجامع الذي يصلون فيه قال واما ما كان من المساجد فاتها بقيت بعد ذلك اربعين يوما بعدما خربت دمشق معطلة خرابا لم يصل فيها احد وظهر ملك بني عباس حتى تم منهم اربعون خليفة وقد صدق النبي صلعم في قوله حين قال له العباس يا ابن اخي رأيت في المنام كان قد خرج من ظهري اربعون زنبورا قد لموا بظهرك يلسعونك ولموا بعد ذلك بظهر علي يلسعونه ويفعلون به مثل ما يلسعون بك فقال النبي صلعم يا عم سوف يظهر من صلبك اربعون خليفة يأخذون الخلافة ويقتلون ذريتي وذرية امير المؤمنين وهم اشد عداوة لنا ولذريتنا قال فهم العباس ان يهلك نفسه او يجب احليله فمنعه النبي صلعم فقال يا عم قد قضى الامر وحق القول وكان ذلك في الكتاب مسطورا وانا لله وانا اليه راجعون.

این داستان متعلق به حماسه های علوی یا شیعی است، اما در فهرست ۳۲ تک نگاری ابومخنف داستانی درباره شاعری به نام سدید به چشم نمی خورد. علاوه بر این، در این داستان از چهل خلیفه عباسی نام برده شده که این خود نشان دهنده زمان تقریبی پدید آمدن این داستان است. در حقیقت تا زمان سقوط خلیفه بغداد در سال ۶۵۶ق، جمعا سی وهفت خلیفه بر تخت نشستند. بنابراین، برای رسیدن به عدد چهل و پی بردن به دوران حیات صاحب این داستان، باید سه خلیفه اول مصر را [نیز] اضافه کرد: المستنصر [بالله ثانی] (۶۶۰ق)، الحاکم [بامرالله] (۶۶۱-۷۰۱ق) و المستکفی [بالله] (۷۰۱-۷۰۴ق). اما به نظر نگارنده رمان «مقتل الحسين و ثار [المختار]» اندکی قدیم تر است^۱ و ظاهراً برای تحریک شیعیان علیه حکومت موجود نوشته شده است.

۱. بر اساس قولی معروف، رأس حسین را مدت ها پیش از ۴۷۰ق از کربلا به عسقلان انتقال داده بودند، جایی که برای او در نهایت بارگاهی به سال ۴۹۰ق بنا شد که ساختن آن چندین سال طول کشید. رأس در آن جا ماند تا آن که به خاطر نزدیک شدن جنگجویان صلیبی در سال ۵۴۸ق به قاهره انتقال یافت و در آنجا نیز برای وی بارگاه مستقلی ساخته شد (نک. *Geschichte der Fatimiden-Chalifen nach Arabischen Quellen*, ص ۲۷۵ و ۳۱۸). در رمان ما کوچک ترین اشاره ای به این موضوع نشده است.

این هدف تا روزگار ما نیز همچنان دنبال شده و همواره اقتباس‌های جدیدی از داستان شهادت حسین، احتمالاً بر اساس متن منسوب به ابومخنف یا دیگر متون، صورت گرفته که برای نمونه در قاهره و جز آن چندین بار چاپ شده و آخرین نسخه چاپی دارای تاریخ پایان ربیع الاول ۱۲۹۸ق (اوایل مارس ۱۸۸۱م) است. بخش اول اثر مورد بحث نور العین فی مشهد الحسین اثر ابواسحاق اسفراینی دانسته شده و قسمت دوم، با عنوان قرّة العین فی أخذ ثار الحسین را فردی موسوم به ابوعبدالله عبدالله بن محمد نوشته است؛ که این هر دو نام احتمالاً نام‌هایی ساختگی هستند. بخش دوم این اثر (قرّة العین فی أخذ ثار الحسین) به طور خاص تقریباً کلمه به کلمه با دستنویس G همخوانی دارد و تنها در مواضعی مختصرتر از آن است.

منابع

- ابن سعد (۱۴۱۰ق). الطبقات الكبرى، ج ۶. تحقیق محمد عبدالقادر عطا. بیروت: دار الکتب العلمیة.
- أبو الشیخ الأنصاری (المعروف ب...)، أبو محمد عبدالله بن محمد بن جعفر بن حیان (۱۴۱۲ق). طبقات المحدثین بإصبهان و الواردین علیها. دراسة و تحقیق عبدالغفور عبدالحق حسین البلوشی. بیروت: مؤسسه الرسالة.
- احمدیان، ابراهیم (۱۳۹۲). «اخبار مکه وستنفلد». در: دانشنامه حج و حرمین شریفین، ج ۲. تهران: مشعر: ۹۴-۹۹.
- أفندی الإصبهانی، المیرزا عبدالله (۱۴۰۳ق). ریاض العلماء و حیاض الفضلاء، ج ۵. تحقیق السید أحمد الحسینی. باهتمام السید محمود المرعشی، قم: مکتبه آية الله العظمی المرعشی النجفی.
- بدوی، عبدالرحمن (۱۹۹۳م). موسوعة المستشرقین. بیروت: دار العلم للملایین.
- البغدادی، أبو الحسین عبدالباقی بن قانع (۱۴۲۴ق). معجم الصحابة، ج ۱۴. تحقیق خلیل ابراهیم قوتلای. بیروت: دار الفکر.
- بهرامیان، علی (۱۳۷۳). «ابومخنف»، در: دائرة المعارف بزرگ اسلامی، ج ۶. زیر نظر کاظم موسوی بجنوردی. تهران: مرکز دائرة المعارف بزرگ اسلامی: ۲۱۳-۲۲۰.

- حاجی ابوالحسنی، عبدالحسین، و محمد نوری (۱۳۷۹). «نگاهی به عاشورا پژوهی در غرب». کتابهای اسلامی، س ۱، ش ۳: ۵۱-۶۰.
- رضایی، ابراهیم (۱۳۹۹). تاریخ نگاری ابومخنف. قم: مرکز فقهی ائمه اطهار.
- الرفاعی، عبدالجبار (۱۳۷۱). معجم ما کتب عن الرسول و أهل البيت صلوات الله عليهم، ج ۷. تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- الزرکلی، خیرالدین (۱۹۸۹م)، الأعلام، ج ۸. بیروت: دار العلم للملایین، الطبعة الثامنة.
- الطوسی، أبو جعفر محمد بن الحسن (بی تا). فهرست کتب الشيعة و أصولهم و أسماء المصنّفين و أصحاب الأصول. تحقیق السید عبدالعزيز الطباطبائی. قم: مکتبه المحقق الطباطبائی.
- عبدالحمید صالح حمدان (بی تا). طبقات المستشرقین. لیبی: مکتبه مدبولی.
- کلبرگ، اتان (۱۳۷۱). کتابخانه ابن طاووس و احوال و آثار او. ترجمه سید علی قرائی - رسول جعفریان. قم: کتابخانه حضرت آیه الله العظمی مرعشی نجفی.
- النجاشی الأسدی الکوفی، أبو العباس أحمد بن علی بن أحمد بن العباس (۱۴۰۷ق). رجال النجاشی. تحقیق موسی الشیبیری الزنجانی. قم: مؤسسه النشر الإسلامی التابعة لجماعة المدرّسين بقم المشرفة.
- النديم، محمد بن اسحاق (۱۳۶۶). کتاب الفهرست. ترجمه و تحقیق محمدرضا تجدد. تهران: امیر کبیر، چاپ سوم.
- ووستنفلد، فردیناند (۱۸۸۲م). تاریخ نویسان عرب و آثار آن ها (Die Geschichtschreiber der Araber und ihre Werke). گوتینگن.
- ووستنفلد، فردیناند، و ادوارد ماهلر (۱۳۶۰). تقویم تطبیقی هزار و پانصدساله هجری قمری و میلادی، بارهنگامی تبدیل تاریخ هجری شمسی به میلادی و بالعکس. مقدمه و تجدید نظر از حکیم الدین قریشی. تهران: فرهنگسرای نیاوران.

ISSN 1561-9400

Mirror of Heritage

(Ayene-ye Miras)



Semiannual Journal of Literary and Textological Studies

New Series, Vol. 21, Issue No. 1 (72), 2023

